



گزارش مقدماتی از کاوش های سال های ۱۳۷۷، ۱۳۷۹ و ۱۳۸۱ در تپه نرگه، تاکستان

دکتر سعید گنجوی*

چکیده

پس از انتخاب تپه نرگه به عنوان سایت باستان‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی ابهر، کاوش های آموزشی - پژوهشی در این تپه از سال ۱۳۷۷ آغاز گردید. این کاوش ها جهت آموزش دانشجویان رشته باستان‌شناسی هر ساله ادامه دارد و در طی این مدت در سال های ۱۳۷۷، ۱۳۷۹، ۱۳۸۰ و ۱۳۸۱، سرپرستی کاوش بر عهده نگارنده بوده است. حاصل این کاوش ها، کشف روستایی از دوره صفویه و تشخیص نشانه‌هایی از آثار قدیم تر ایلخانی و سلجوقی است. در این مقاله به معرفی اجمالی تپه نرگه و برخی از آثار یافت شده در آن خواهیم پرداخت.

کلیدواژگان: تاکستان، نرگه، کاوش، صفوی.

* استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد ابهر.

مقدمه

در سال ۱۳۶۸ پیشنهاد تاسیس دانشگاه آزاد اسلامی واحد ابهر از طرف علاقمندان به ارتقاء سطح دانش و فرهنگ و ایجاد زمینه مناسب برای فعالیت و اعتلای سطح دانش و پژوهش و تامین نیروی انسانی متعهد و متخصص مورد نیاز بخشهای خصوصی و دولتی و گسترش آموزش عالی ارایه و در مهرماه سال ۱۳۶۹ با جذب ۸۵ دانشجو کارشناسی در رشته ادبیات آغاز به کار نمود.

با توجه به اهمیت و موقعیت و ویژگیهای طبیعی منطقه رشته باستان شناسی نیز با جذب ۱۱۷ دانشجو در سال ۱۳۷۴ تاسیس گردید.

از آنجایی که حفاری میدانی و عملی در رشته باستان شناسی اهمیت خاصی دارد و دانشجویان این رشته باید دوره عملی آموزشی حفاری را طی نمایند لذا پس از بررسیهایی که در منطقه انجام گرفت تپه نرگه که از لحاظ قدمت و اهمیت و نزدیکی به دانشگاه از دیگر اماکن باستانی شاخص تر بود انتخاب گردید که به عنوان سایت حفاری علمی و آموزشی مورد کاوش و بررسی دانشجویان رشته باستان شناسی قرار گیرد. لذا در تابستان سال ۱۳۷۷ اولین هیئت حفاری دانشگاه آزاد اسلامی واحد ابهر به سرپرستی نگارنده شروع به کار نمود.

اوضاع جغرافیایی و اقلیمی منطقه

تپه نرگه در جوار روستای نرجه از توابع شهرستان تاکستان قرار دارد، بهمین دلیل شناخت اوضاع طبیعی اقلیمی و جغرافیایی طبیعی منطقه تاکستان ضروریست.

تاکستان در شمال غربی فلات مرکزی ایران حد فاصل مدارهای ۴۹ درجه و ۱۰ دقیقه تا ۴۹ درجه و

۴۸ دقیقه طول شرقی از نصف النهار گرینویچ و مدارها ۳۵ درجه و ۴۰ دقیقه تا ۳۶ درجه و ۲۱ دقیقه عرض شمالی از خط استوا واقع شده است و ارتفاع متوسط آن از سطح دریای آزاد ۱۲۶۵ متر است. این شهر در طول شرقی ۴۹ درجه و ۴۲ دقیقه عرض شمالی و ۳۶ درجه و ۴۰ دقیقه و ۱۵ ثانیه قرار دارد. از طرف شمال و شمال شرقی به شهرستان قزوین، از جنوب شرقی به شهرستان بوئین زهرا و از غرب به شهرستان ابهر محدود می باشد. فاصله آن تا قزوین ۳۳ کیلومتر و تا تهران ۱۸۵ کیلومتر است. از نظر زمین شناسی به دو قسمت کوهستانی و دشت تقسیم می شود. بخش کوهستانی آن عمدتاً از آتشفشانهای پیر و جوان و توده سنگهای نفوذی بوده و ارتفاعات از سنگهای پیر و کلاسیک و آذرین می باشند که به دوران سوم زمین شناسی (سنوزوئیک) تعلق دارند و تغییرات فرسایشی باعث تغییر چهره آنها شده است. قسمت "دشت" منطقه که شامل قسمتهای مرکزی، شمال شرقی و شرق آن می شود اغلب دارای باغات انگور و زمین های کشاورزی است و تپه نرگه نیز در این منطقه قرار دارد و دارای آب و هوای نسبتاً مطلوب و معتدل نسبت به دیگر بخشهاست.

منطقه تاکستان از نظر آب و هوایی نیز به دو بخش تقسیم می شود. منطقه کوهستانی با زمستانهای سرد و تابستانهای معتدل و منطقه دشت با آب و هوای نیمه بیابانی دارای زمستانهای سرد و تابستانهای گرم و خشک.

وزش باد شمال و جنوب در تغییرات جوی این منطقه حائز اهمیت است. باد شمال را باد سرد و باد جنوب را باد گرم می نامند. رود ۲۴ فصلی و دائمی در منطقه در جریان است که مهمترین آنها خررود

دوره صفوی در این منطقه سکنی گزیده اند - به زبان ترکی صحبت می کنند.

معادن عمده منطقه تاجکستان عبارتند از: آهن، نقره، سرب، فلدسپات، سیلیس، خاک صنعتی و کائولن، مردم منطقه اغلب یا به دامپروری مشغولند و یا به کشاورزی و در کنار آن نیز صنایع، گلیم بافی، قالی بافی، منجوق دوزی، تولید ظروف مسی و سفالگری، سبدبافی و گلدوزی در این مرز و بوم مرسوم است و غالباً به بانوان اختصاص دارد.

سابقه تاریخی منطقه

سیادن که امروزه به نام تاجکستان شناخته می شود تاریخی کهن و سابقه ای درخشان دارد سرزمین تاجکستان امروزی در زمان استیلای ماد جزء سرزمینهای اصلی حکومت و به دلیل نزدیکی با پایتخت هکمتانه از اهمیت زیادی برخوردار بوده است.

آشوریان در جنگهای متعدد خود با مادها حملات زیادی به این سرزمین داشته اند. قدمت این سرزمین با توجه به آثار و شواهدی که در کاوش های باستان شناسی در تپه خله کو بدست آمده به ۷۰۰۰ سال پیش برمی گردد.

تاجکستان قدیمی ترین شهر بزرگ منطقه بوده اثر باستانی استان یعنی بقعه پیر دلیلی بر این مدعاست. علاوه بر این یکی از اسناد بسیار محکم دال بر قدمت شهر، عبور جاده قدیمی و پر رفت و آمد و بزرگ جهانی ابریشم از آن است، جاده ای که حدود ده هزار سال نقشی عظیم در نقل و انتقال مواد، فرهنگ، تکنولوژی و ایجاد و توسعه روابط فرهنگی و اقتصادی و نزدیکی ملتها را بر عهده داشته و افرادی چون کراسوس رومی و کوروش

(خره رود) و ابهر رود هستند و رودهای آلوجان، اورنه، توده بین، ساج، نودهک، ارچه، قلات دستجرد، خورهشت، ارنقاش و غیره نیز از رودهای فصلی این دیار بشمار می آیند. وجود همین رودها باعث شده که منطقه را دشت آبی نیز بنامند.

پوشش گیاهی منطقه تاجکستان تحت تاثیر عناصر اقلیمی چون درجه حرارت و باد و خاک متفاوت است و بطور کلی پوشش گیاهی منطقه را می توان به دو قسمت جنگلی و مرتعی طبقه بندی نمود. پوشش جنگلی بصورت طبیعی بسیار کم دیده می شود و اراضی محدودی به کشت مصنوعی درختانی از قبیل زردآلو، بادام و سیب پرداخته و تاجکستان های انگور فضای منطقه را سرسبز نموده است. پوشش مرتعی سطح قابل ملاحظه ای از اراضی منطقه را بخود اختصاص داده است. این مراتع عبارتند از: گون، کنگر، ورک، قیاق، تلخه و جارو.

پوشش جانوری منطقه بسیار متنوع است: پستاندارانی مانند: قوچ، میش، کل، بز کوهی، آهو، گرگ، روباه، شغال، خرگوش و پرندگان بومی همچون کبک، یاکریم، قمری، کبوتر، گنجشک، بلدرچین، عقاب، مرغابی، سار، زاغ، کلاغ و پرندگان مهاجر مانند: غاز و مرغابی وحشی در این منطقه بچشم می خورد.

جمعیت منطقه در حال حاضر به طور عمده به دو دسته فارس زبان و ترک زبان تقسیم می شوند. فارس زبانها بومی منطقه هستند و به زبان فارسی با لهجه تاتی که از زبان پهلوی گرفته شده سخن می گویند و ترک زبان ها که اغلب در مناطق روستائی از جمله روستای نرجه سکونت دارند - مهاجرانی که در دوران سلجوقی و بخصوص در

کبیر و اسکندر مقدونی بر سر تسلط آن جان باخته اند.

تاریخ این شهر با ورود اولین دسته آریایی ها به این سرزمین رقم خورده است. این شهر در زمان هخامنشیان مورد توجه بسیار بوده، بطوریکه توسط داریوش کبیر چاپارخانه ای بزرگ و عظیم روبروی بقعه پیر بنا گردیده است. در اواخر حکومت این سلسله و مقاومت در برابر سپاه اسکندر، ویرانی های زیادی بعد از این جنگ در آن باقی مانده است. این شهر در زمان ساسانیان به عنوان آخرین سلسله ایران قبل از اسلام از شهرهای مهم منطقه بوده است.

وجود تپه های باستانی که تعدادی از آنها متعلق به قبل از تاریخ می باشد از جمله تپه خله کو که هسته اولیه شهر نیز بوده و هم اکنون در قسمت جنوب شهر قرار دارد و شهر قدیم تاکستان در زیر آن مدفون است نیز از دیگر مسائل تاریخی تاکستان می باشد.

در زمان سلجوقیان بقعه پیر مرمت شده و این نشانگر آن است که در آن زمان نیز این بقعه از اهمیت زیادی برخوردار بوده است. این منطقه در زمان نهضت حسن صباح و جانشینان او به دلیل نزدیکی به مقر آنها - قلعه الموت - نیز شاهد جنگهای طولانی میان مبارزان اسماعیلیه و حکومت مرکزی بوده است.

در زمان ایلخانان با استقرار پایتخت در سلطانیه موقعیت جلگه تاکستان به نحو چشمگیری رونق می یابد. این جلگه به جهت تامین احتیاجات کشاورزی و دامی نیز مورد توجه حکومت مرکزی بوده است. به علت قرار گرفتن آن بر سر راه تهران و اروپا مورد توجه شاهان قاجار نیز بوده و آنان بارها از آنجا

گذشته اند و یا اقامت گزیده و مورد توجه قرار داده اند.

از نکته های جالب توجه این شهر اینکه در سال ۱۳۱۳ شمسی رضاخان اقدام به خرید این شهر می کند و در سال ۱۳۱۷ شمسی توسط فرهنگستان نام شهر از سیاران به سیادهن و سپس به علت وجود درختان انگور به تاکستان تغییر نام پیدا می کند.

موقعیت جغرافیایی روستای نرگه و وجه تسمیه نام آن

دهستان نرگه از توابع بخش مرکزی تاکستان می باشد که از لحاظ موقعیت استراتژیک در سه راهی تاکستان (شامی شاپ) قرار گرفته و فاصله اش تا مرکز شهرستان حدود ۱۰ کیلومتر است. این دهستان از شمال و شمال شرقی به تاکستان و کوه قره داغ (قره باغی) و ابهر رود و از قسمت شمال غربی به روستای رادکان و از غرب به قسمت جهان آباد و دانسفهان (کوه رودکها) و قنبر شاه و خر رود (خره رود یا قم رود) و از جنوب شرقی به روستای قره سین و از شرق به روستای اک محدود می شود. این محدوده ی بعد از سال ۱۳۴۱ و تقسیم اراضی است و قبل از آن نرگه دارای وسعت زیادتری بوده زیرا تعدادی از روستاهای اطراف جزء نرگه محسوب می شوند و موقعیت راه و جاده ها دقیقاً مغایر با وضعیت کنونی بوده است.

نرجه در لغت به فتح نون به معنی صف، حلقه، دسته ای از مردم پرندگان، حلقه زدن لشکر برای شکار از فرهنگ عمید و یا در کتاب مرات البلدان به نقل از کتاب البیان آن را نرجه نام داده اند و آنچه از ظاهر امر مشخص است در ابتدا "نرگه"

بوده که بعد از حمله اعراب به نرجه مبدل گشته و هم اکنون نیز به همین نام خوانده می شود.

موقعیت جغرافیایی و وسعت تپه نرگه

دهستان نرگه از توابع بخش مرکزی تاکستان است. تپه نرگه در فاصله ۵۰۰ متری شرق این روستا واقع شده است. این تپه از دیرباز اهمیت ویژه ای داشته است.

این تپه در کنار جاده کاروان رو زیارتی همدان - خراسان قرار دارد در امتداد شمالی تپه به فاصله تقریبی نیم کیلومتر تپه دیگری به نام تپه کوچک نرگه به ارتفاع خیلی کمتر مشاهده می گردد. تپه نرگه با ارتفاعی نزدیک به ۲۲/۶۱ متر از سطح دشت مشخص ترین تپه منطقه بوده و دارای وسعتی به ابعاد ۱۹۰*۲۲۰ متر می باشد.

جهت تپه در امتداد شمالی جنوبی است. سطح تپه بر اثر فرسایش های جوی دارای بریدگیهای عمیقی است که حداکثر فرسایش آن در امتداد شرقی دیده می شود. ارتفاع تقریبی آن نیز از سطح دریا ۱۳۲۲ متر است. (تصویر شماره ۴)

حفاری تپه نرگه

تاکنون هشت فصل کاوش باستان شناسی در تپه نرگه انجام گرفته است و در طی این مدت کاوش سال های ۱۳۷۷، ۱۳۷۹، ۱۳۸۰ و ۱۳۸۱ به سرپرستی نگارنده صورت گرفته است و اعضاء هیئت کاوش که در اینجا از زحمات تک تک آنان تشکر می نمایم عبارتند از:

سال ۱۳۷۷: آقای ذنوبی (عضو هیئت علمی دانشگاه)، آقای اسماعیلی (کارشناس باستان شناسی)، آقای امینی (نقشه بردار)، آقای رضوانی (نماینده سازمان میراث فرهنگی کشور).

سال ۱۳۷۹: خانم دانشپور پرور (عضو هیئت علمی دانشگاه)، آقای نجفی (عضو هیئت علمی دانشگاه)، آقای ولی پور (عضو هیئت علمی دانشگاه)، آقای نقشینه (عضو هیئت علمی دانشگاه)، آقای اسماعیلی (کارشناس باستان شناسی)، آقای حیدری (کارشناس باستان شناسی)، آقای بیگلری (کارشناس باستان شناسی)، آقای سامان حیدری (کارشناس ارشد جغرافیا و نقشه برداری)، خانم نیاکان (نماینده سازمان میراث فرهنگی کشور).

سال ۱۳۸۰: آقای ولی پور (عضو هیئت علمی دانشگاه)، آقای نقشینه (عضو هیئت علمی دانشگاه)، آقای اسماعیلی (کارشناس باستان شناسی)، آقای حیدری (کارشناس باستان شناسی)، آقای سامان حیدری (کارشناس ارشد جغرافیا و نقشه برداری)، آقای پوربخشنده (نماینده سازمان میراث فرهنگی کشور)، خانم نیاکان (نماینده سازمان میراث فرهنگی کشور).

سال ۱۳۸۱: آقای ولی پور (عضو هیئت علمی دانشگاه)، آقای نقشینه (عضو هیئت علمی دانشگاه)، آقای اسماعیلی (کارشناس باستان شناسی)، آقای حیدری (کارشناس باستان شناسی)، آقای صدرایی (نماینده سازمان میراث فرهنگی کشور).

طبق برنامه ریزی اعضای هیئت، راهکار و استراتژی مشترک هیئت در قبال کاوش و آموزش دانشجویان مشخص گردید. بدین منظور دانشجویان در گروه های منظم تقسیم شده و در کارگاههای مشخص شده زیر نظر استادان مربوطه به کار مشغول شدند.

همه ساله جهت آموزش بهتر و دقیق تر از روش هندسی برای ایجاد ترانسه های مورد نظر استفاده می نمودیم. یادآوری می کنم این نوع حفاری که

کروکی روزانه کارگاه، شرح و طبقه بندی اشیاء ریز، ارائه گزارش یافته‌های روزانه بود.

دانشجویان موظف بودند هر روز بالاترین و پایین‌ترین عمق مکان خود را با استفاده از تراز نخ نسبت به نقطه ثابت کارگاه اندازه و در گزارش‌های روزانه منعکس نمایند. هر شیئی که در داخل ترانشه به دست می‌آمد در کارتهای مربوط به آن شیئی ثبت شده و پس از ذکر ضخامت لایه‌های برداشته شده در هر روز چگونگی کاوش، بافت معماری را به نام فیچر و به ترتیبی که هر روز به دست می‌آمد، شماره گذاری می‌کردند و سپس به توصیف فیچرهای بدست آمده می‌پرداختند.

در شرح اشیاء ریز نیز هر کدام از اشیاء به دست آمده را با علامت اختصاری S.F. به ترتیب پیدا شدن معرفی و موقعیت مکانی محل به دست آمدن آن را شامل عمق، موقعیت نسبت به اضلاع مجاور، تاریخ، نوع جنس و توضیحات آن ذکر می‌کردند. سفالها نیز پس از شستشو در محل مربوط به میدان سفال که در ابعاد ۲۰*۲۰ متر بود قرار داده می‌شد. سفال‌ها هر روز با توجه به نوع سفال و سپس بر اساس لبه، کفه، بدنه، دسته، پایه، لوله و غیره طبقه بندی و در جای مخصوص قرار می‌گرفت.

انواع سفال‌های بدست آمده از کارگاه نیز هر روز در تعداد، شکل (لبه، بدنه، کف، دسته، پایه، لوله و غیره) و جنس سفال (خشن یا ظریف) رنگ پوشش برای سفال‌های بدون لعاب (قرمز، نخودی و خاکستری) و رنگ لعاب برای سفال‌های لعابدار (آبی، سبز، سفید، سیاه، قهوه‌ای و زرد) آمارگیری و تعداد آنها را در قسمتهای مربوطه درج و بدین ترتیب فرم سفال همراه با ملاحظیات دانشجوی تکمیل می‌گردید.

اصطلاحاً آن را حفاری افقی می‌نامند، کمک می‌کند تا بافت وسیع تری از جامعه مورد مطالعه (به ویژه معماری روستا) روشن شده و مطالعات و بررسی بهتری صورت پذیرد. و در نتیجه اطلاعات جامعتری در خصوص دوره مورد مطالعه و کاوش به دست می‌آید.

طی چهار فصل کاوش (سال‌های ۱۳۷۷، ۷۹، ۸۰ و ۸۱) تعداد بیست و یک ترانشه مورد کاوش قرار گرفت (تصویر شماره ۱)، ترانشه‌های مورد نظر در اضلاع ۱۰*۱۰ متر برابر نقشه توپوگرافی نخ کشی شده و هر کدام از آنها نیز به چهار قسمت ۲/۵*۲/۵ متر تقسیم و در هر یک از این مکانها گروه‌های ۴ تا ۵ نفره به کار گمارده شده و مشغول کار می‌شدند.

کلیه این عملیات آموزشی با راهنمایی نقشه بردار هیئت بوسیله دانشجویان به انجام می‌رسید.

گروه‌های مذکور هر کدام دارای یک سر گروه از میان خود دانشجویان بود که وظیفه هماهنگی سرپرست ترانشه و اعضای مکان را بر عهده داشت. هر ترانشه نیز زیر نظر مستقیم یکی از اعضای هیئت علمی حفاری اداره می‌شد.

پس از پایان عملیات میدانی کلاسهای بعد از ظهر زیر نظر اساتید از ساعت ۳ الی ۷ بعد از ظهر در محل کارگاه باستان‌شناسی تشکیل می‌شد.

در این کلاسها دانشجویان با مبانی نظری و تئوری کاوش، بررسی، نقشه برداری، طبقه بندی سفال، طراحی سفال و هم‌چنین وصالی و مرمت اشیاء آشنا می‌شدند و گزارش کارهای روزانه خود را در این کلاسها ارائه می‌دادند. این گزارش‌ها شرح عملیات حفاری، شرح معماری،

فضای شماره I

در قسمت شرق فضاهای شماره ۷ و IV فضای کم عرض به طول ۹ متر دیده می شود که احتمالاً راهرو و یا معبر بوده که این محل دارای شیبی از سمت جنوب به شمال است.

عرض این راهرو و یا معبر در سمت جنوب ۹۰ سانتیمتر و در قسمت شمال ۱۵۰ سانتیمتر است. کف این راهرو از گل کوبیده و به نظر می رسد که سطح آن را در مرحله ای جدیدتر بالا آورده اند. در قسمتهایی از مرکز آن یک قطعه سنگ تقریباً صاف کشف گردید.

عرض دیوارهای طرفین معبر در بعضی قسمتها با سه ردیف و در بعضی دو و نیم ردیف و در قسمت جنوب شرقی با یک و نیم ردیف خشت ساخته شده است.

فضای شماره II

این فضا (طاق) به شکل مربع مستطیل است. قسمتی از این طاق در ترانسه L8 و قسمتی در ترانسه M8 قرار دارد. ورودی این طاق در قسمت جنوب غربی ترانسه M8 قرار گرفته است.

دیوار غربی این طاق با ۳ ردیف خشت، دیوار جنوبی و شمال با ۲/۵ ردیف و دیوار شرقی آن با ۲ ردیف خشت تعبیه شده است.

در داخل این طاق دو سیلوی پایه دار به ابعاد ۱۱۰*۶۵ و ۴۵*۸۵ سانتیمتر کشف گردید. علت فاصله سیلوها از زمین احتمالاً جهت نگهداری بهینه مواد غذایی داخل سیلو بوده است. سیلوی بزرگتر نسبتاً سالمتر از دیگری است.

در قسمت جنوبی این طاق تنوری با قطر دهانه ۷۰ سانتیمتر کشف گردید. در اطراف این تنور قطعات شکسته خمره سفالی بدست آمد که کاملاً

در پایان به شرح دو ترانسه از بیست و یک ترانسه حفاری شده در تپه نرگه با نامهای M8 و K8 می پردازیم.

ترانسه M8

این ترانسه با طول و عرض ۱۰*۱۰ در قسمت شمال شرقی تپه نرگه واقع و دارای شیب ملایمی از طرف جنوب به شمال می باشد. (تصاویر شماره ۲ و ۵)

رسوبات انباشته شده حاصل از فرسایش و آوار ویرانه های بنا که تماماً با خشت و گل ساخته شده بیشترین حجم لایه های این ترانسه را تشکیل می دهد. در ابتدای کاوش پس از چند سانتیمتر خاکبرداری با دیوارهای متعدد خشتی مواجه شدیم و در ادامه آن آثار معماری متعددی کشف گردید.

آثار معماری

در این ترانسه آثار معماری جالبی به دست آمد که در نوع خود در تپه نرگه با جزییات قابل توجه سابقه نداشت. بناها از نوع ساختارهای روستایی است ولی نسبت به بناهایی که تاکنون در نرگه به دست آمده از اجزاء معماری متنوع تری برخوردارند و به نحو سالم و بهتری در زیر خاک حفظ شده اند.

ارتفاع برخی از دیوارهای مکشوفه به حدود ۱۸۰ سانتی متر می رسد و مصالح معماری به کار رفته عمدتاً خشت و گل می باشد. در برخی موارد از قطعات شکسته سفال های خشن و آجر شکسته و سنگهای نامنظم نیز استفاده شده است.

دیوارها با ضخامت نسبتاً زیاد که گاهی متجاوز از یک متر است ساخته شده است. در ضلع شمالی و جنوبی این اطاق دو سیلوی گلی به دست آمد که یک از آنها دوقلوست. طول و عرض این سیلو ۱۳۰*۷۰ و عمق ۱۰۵ سانتیمتر می باشد که به صورت یکپارچه ساخته شده است داخل و بیرون سیلو اندود کاهگلی دارد.

سیلوی مکشوفه دیگر در جنوب ترانشه و چسبیده به دیوار شرقی با ابعاد ۱۰۰*۹۳ و عمق ۱۲۰ سانتیمتر کشف گردیده که دارای اندود کاهگلی در داخل و خارج می باشد.

در کف این اطاق قطعات شکسته دو خمره به طول ۷۱ سانتیمتر با دربهای سفالی کشف گردید.

یک طاقچه نیز در میانه دیوار جنوبی به شکل تقریبی مربع به ابعاد ۵۵*۴۵ و عمق ۶۵ سانتیمتر بدست آمد. ارتفاع این طاقچه در حدود ۵۰ سانتیمتر از کف می باشد.

لازم به تذکر است دیوار شمالی نسبت به دیوار ضلع جنوبی قطورتر بوده و در دیوار ضلع شمالی در فاصله های مشخص در دو قسمت، دیوار حدود ۲۰ سانتیمتر به طرف شمال برمی گردد. کف این اطاق گل کوبیده است و دیوارهای آن کلاً اندود کاهگلی دارد که این اندود چندین بار تکرار شده است. (تصویر شماره ۶)

فضای شماره ۷

این اطاق به شکل مستطیل در امتداد شمال - جنوب قرار دارد. دیوار شمالی آن خارج از ترانشه واقع شده. دیوارهای خستی با اندود کاهگلی با ضخامت ۱۵ سانتی متر است که بارها اندود تکرار شده است.

بر روی دیوار شرقی این اطاق دو طاقچه با فاصله ۱۵۰ سانتی متر از هم با ابعاد تقریباً برابر

از هم پاشیده شده بود. در گوشه شمال غربی این اطاق تعداد قابل توجهی ظروف سفالین بر روی کف اطاق بدست آمد.

در مورد این ظروف در بخش سفال توضیحات کامل ارایه خواهد شد.

فضای شماره III

این فضا (طاق) در گوشه جنوب شرقی ترانشه قرار دارد. این اطاق به شکل مربع است. دیوار جنوبی و غربی این اطاق با ۱/۵ ردیف، دیوار شمالی با دو ردیف و دیوار شرقی با یک ردیف خشت تعبیه شده است. این اطاق دو ورودی از طرف شمال و جنوب دارد. ورودی جنوبی آن دارای طاق ضربی است و به فضای دیگری راه دارد. (تصویر شماره ۱۰)

ورودی شمالی آن احتمالاً در دوره های بعدی مسدود گردیده است. در قسمت شرقی این اطاق دیواری با خشتهای ایستاده به طول ۱۸۰*۳۰ سانتیمتر از طرف شمال به جنوب تعبیه شده که داخل آن به دو قسمت نامساوی تقسیم شده است و احتمالاً به عنوان آغل از آن استفاده می شده است. در داخل این اطاق دو رشته تسبیح از نوع سنگ کشف گردید. (تصویر شماره ۱۴)

فضای شماره IV

در گوشه جنوب غربی ترانشه قرار دارد. سه دیوار شرقی و شمالی و جنوبی این اطاق مشخص شده ولی دیوار غربی آن خارج از ترانشه قرار دارد. به احتمال قوی انبار بوده است. (تصویر شماره ۹). ورودی این اطاق در دیوار غربی تعبیه شده است.

سفال های بدون لعاب مکشوفه از نوع ظروف آشپزخانه و مربوط به پخت و پز هستند.

متداول ترین تزئین در میان سفال های بدون لعاب نقش کنده است و فقط ۱۶ تکه سفال با نقش افزوده و ۵ تکه با نقش استامپی کشف شده است. سفال های لعاب دار نیز عمدتاً از نوع ساده و تک رنگ هستند. بعد از آن نقش کنده در زیر لعاب عمومیت دارد.

کمترین تعداد ظروف لعابدار مربوط به سلاذن و مینایی و زرین فام است. ظروف بدست آمده از این ترانسه همگی از نوع بدون لعاب است که کاربرد معمولی و روزانه داشته است.

ترانسه K8

این ترانسه در منتهی الیه شمال شرقی بخش مسطح بالای تپه نرگه قرار دارد. به همین دلیل از جهت غرب به شرق دارای شیب زیادی است به طوری که در شرق ترانسه شیب تندتری می شود. این وضعیت به خوبی در نقشه توپوگرافی تپه نرگه مشهود می باشد (تصویر شماره ۱).

بلندترین قسمت این ترانسه ضلع غربی آن است که ۵/۲۷ متر از راس تپه (نقطه ثابت) پایین ترمی باشد. اختلاف سطح در محدوده این ترانسه در ساختار معماری مکشوفه نیز تاثیر گذاشته است، به طوری که بقایای معماری در قسمت غربی ارتفاع بیشتری دارد و هر چه به سمت شرق امتداد می یابد کم ارتفاع تر و کوتاه تر می شود، حتی به نظر می رسد که در زمان ساخت بنا نیز در این قسمت شیب وجود داشته است. تمامی سطح این ترانسه را لایه گلی گسترده ای پوشانیده است ضخامت این لایه گلی در بعضی از جاها حدود ۲۵ - ۲۰ و در قسمتهایی ۱۰-۵ سانتیمتر است.

لازم به یادآوری است که این لایه گلی به وضوح جدیدتر از بقایای معماری زیر آن است و مربوط به سالیان اخیر می باشد که به وسیله کشاورزان محلی برای خشک کردن انگور و تهیه

۵۵*۶۵ و عمق ۴۰ تا ۶۰ سانتی متر تعبیه شده است. ارتفاع این طاقچه ها بعلت تخریب قسمت فوقانی آن معلوم نیست. (تصویر شماره ۷)

دیوار کی چینه ای با طول ۱۸۰ و عرض ۳۷ و ارتفاع ۱۱۰ سانتی متر عمود بر دیوار غربی در این اطاق کشف گردید. این دیوار ک کوتاه تر از دیوارهای اصلی است و هیچ باری را تحمل نمی کرده. بر روی این دیوار ک تعداد ۸ طاقچه کوچک در دو ردیف چهار تائی کشف گردید که احتمالاً جهت قرار دادن اشیاء کوچک بوده است. این دیوار ک جهت جدا کردن قسمتهایی از این اطاق تعبیه شده است. طاقچه دیگری به ابعاد ۶۰*۴۵ سانتی متر بر روی دیوار جنوبی کشف گردید.

ضمن خاکبرداری از کف اطاق آثار تیرهای چوبی ظاهر گردید که نشانگر پوشش سقفی این اطاق می باشد (تصویر شماره ۸).

تنوری نیز به قطر دهانه ۶۵ و عمق ۸۵ سانتی متر در کف اطاق کشف گردید. کف این اطاق با اندود کاهگل پوشانده شده است.

فضای شماره VI

این فضا در شمال غربی ترانسه قرار دارد. دیوار قسمت شرقی آن با ۲/۵ ردیف خشت بنا گردیده. این دیوار بین اطاق شماره ۷ و فضای شماره VI واقع گردیده است.

قسمتی از دیوار جنوبی این فضا با ۲/۵ ردیف خشت کشف گردید و بقیه آثار معماری آن زیر بازوی غربی و شمالی ترانسه مدفون می باشد.

یافته های سفالین

در ترانسه M8 و قسمتی از بازوی میان ترانسه L8 که محدوده ی اطاق شماره M8 II و L8V جمعاً تعداد ۲۹۳۵ تکه سفال بدست آمد. بیشتر سفال ها بدون لعاب و ساده هستند. ۷۳ درصد سفال ها ساده و ۲۷ درصد آنها لعابدار هستند. ۱۰ درصد

در کاوش آشنا گردند و همچنین با تشخیص عناصر معماری و مواد و مصالح تشکیل دهنده نظیر خشت و کاهگل و اندود سطح دیوارها و حتی تشخیص آوار از اصل بنا و یا بازسازی و چگونگی فروپاشی بنا آشنا شوند.

در نتیجه کاوش در این ترانسه پنج فضای معماری بدست آمد که بشرح ذیل می‌باشد:

فضای شماره I

برای ورود به این فضا باید از راهروی باریکی گذشت که بوسیله دیوار کوتاهی از فضای اصلی اطاق مجزا شده است. در قسمت راست این راهرو در امتداد دیوار شرقی آن سکوی گلی قرار دارد که دارای سه فرو رفتگی تقریباً مدور است.

این سکو در حدود ۱/۵ متر طول و ۵۰ سانتیمتر عرض دارد و کاربرد آن مشخص نیست. بر روی دیوار جدا کننده راهرو نیز در قسمت غرب چهار طاقچه کوچک و کم عرض به چشم می‌خورد که در قسمت بالا و پایین دیوار قرار دارند.

دو طاقچه قسمت بالایی در اثر تخریب بخش دیوار جدا کننده از بین رفته است. در امتداد ضلع شمالی این اطاق و تقریباً در گوشه شمال غرب آن دو سیلوی گلی به شکل های مربع و دایره بدست آمد (تصویر شماره ۱۲).

سیلوی دایره یا استوانه ای روی پایه های گلی قرار دارد و کف آن از سطح کف اطاق حدود ۵ سانتی متر بالاتر قرار دارد. بر روی دیوار پشت سیلوی مربع شکل یک طاقچه با عرض و طول ۳۰*۶۰ سانتی متر تعبیه شده بود که بعد از ساختن سیلو عملاً غیر قابل استفاده شده و در نتیجه داخل آن پر شده است. این اطاق یا فضا باقیمانده اطاقی است که در فصل گذشته در محدوده ترانسه L8 بدست آمده بود مشخص گردید.

بر کف زمین دیوار جدا کننده در سمت غرب سه فرورفتگی کشف گردید. این فضا دارای ۳۶۰

کشمش ایجاد گردیده، در واقع این وضعیت در قسمتهای دیگر تپه نرگه نیز وجود داشته و حتی امروزه همین روش و عمل بر روی سطح تپه مجاور یعنی تپه بالا تپه که در شمال تپه نرگه قرار دارد نیز به چشم می‌خورد. ایجاد این لایه گلی اگر چه به آثار باستانی زیر خود آسیب هایی رسانده و حتی در مواردی کاویدن آن و رسیدن آن به لایه های باستانی و تشخیص آنها را از یکدیگر مشکل ساخته ولی با وجود این در حفظ لایه های زیرین نیز موثر بوده است. زیرا که مانع نفوذ عوامل فرسایشی به لایه های باستانی بوده و جریان آب های سطحی حاصل از بارش، فرسایش و تخریب لایه های باستانی را کند می‌کرده است.

آثار معماری

در زیر این لایه گلی گسترده در سطح ترانسه بقایای معماری جدیدترین دوره استقراری در تپه نرگه قرار دارد که کاوش تا سطح کف بناهای این دوره ادامه داده شده است (تصویر شماره ۳).

بیشترین عمق کاوش در امتداد ضلع غربی ترانسه است که ۱۸۵ سانتی متر و کمترین عمق کاوش در حدود ۱۰-۵ سانتیمتر است که در امتداد ضلع شرقی ترانسه قرار دارد. حتی در قسمتهایی از گوشه جنوب شرقی ترانسه با جارو زدن سطح کف بقایای استقراری نمایان می‌گردید.

علت این اختلاف در عمق کاوش همانطور که اشاره شد شیب سطح تپه می‌باشد. قسمتهای کاوش شده در زیر لایه گلی سطح تپه مربوط به ویرانه های خانه های روستایی است. فضاهای داخلی بناهای مکشوفه انباشته از آوار می‌باشد، به همین دلیل شیوه کاوش در این ترانسه همچون اغلب ترانسه های دیگر خاکبرداری و تخلیه آوار از داخل فضاهای معماری و مشخص کردن آثار و بقایای معماری است. در این کار دقت زیادی انجام می‌گرفت تا دانشجویان به اهمیت کار و نیاز به حوصله و دقت

فضای شماره III

فضای شماره ۳ بصورت راهرویی با طول ۵/۸۰ و عرض متفاوت ۱۲۰ تا ۱۰۰ سانتیمتر می باشد و در قسمت جنوب شرقی ترانشه قرار گرفته است. دیوارها و کف آن از گل رس ساخته شده که بسیار سخت و مقاوم می باشد. ورودی آن با عرض ۷۰ سانتیمتر در قسمت جنوب ترانشه قرار دارد.

فضای شماره IV

این فضا دارای ۶/۸۰ متر طول و ۳ متر عرض می باشد و در قسمت شرق ترانشه قرار دارد. با یک ورودی بعرض ۹۰ سانتیمتر به راهروی فضای شماره ۳ مربوط می شود. در داخل این فضا تعداد چهار اجاق کلاً ساختار گلی دارند کشف گردید. نقشه ترانشه K8 کاربرد این اجاقها جهت پختن آب انگور و درست کردن شیر انگور می باشد.

فضای شماره V

این فضا اطاقی است به شکل مستطیل با طول ۵/۱۰ و عرض ۲/۱۰ متر. در داخل این فضا دو تنور و دو سیلو کشف گردید. سیلوهها به شکل دایره و بیضی ناقص بهم چسبیده در قسمت شرق این فضا چسبیده به دیوار شرقی که داخل و بیرون آن گل اندود شده بود قرار داشت.

این دو سیلو مجموعاً ۱/۷۵ متر طول و ۷۰ سانتی متر عرض و حدود ۱۰ سانتی متر از کف اطاق بالاتر بوده و بر روی پایه گلی قرار گرفته اند. یکی از تنورها که در نزدیکی سیلوهها قرار گرفته در گذشته پر شده و گل اندود گردیده ولی تنوری که در قسمت غربی فضا قرار دارد با قطر دهانه ۴۳ و با لبه ۱۵ سانتیمتر و عمق ۸۰ سانتیمتر موجود می باشد. از داخل این تنور مقدار زیادی آوار و از کف تنور

سانتی متر طول و ۲۶۰ سانتیمتر عرض می باشد و در قسمت شمال شرقی بوسیله سه پله مفروش شده از سنگهای نامنظم به فضای شماره ۳ راه پیدا می کند. در گوشه شمال شرقی این فضا یک پاشنه در آجری کشف گردید.

دیوار شرقی این فضا با دو ردیف خشت بعرض ۸۰ سانتیمتر تعبیه گردیده کلیه دیوارهای فضای شماره I دارای اندود گلی و کف اطاق نیز گل کوبیده می باشد.

فضای شماره II

با ورودی بعرض ۷۰ سانتیمتر با سه پله مفروش شده از سنگهای نامنظم و خشت، پوشانده شده از کاهگل وارد فضای شماره دو می شویم. این فضا دارای طول ۳۶۰ و عرض ۳۵۰ سانتیمتر می باشد. در داخل این فضا یک سیلو به شکل دایره که از خشتهای ایستاده ساخته شده است بدست آمد. این خشتهها همگی به شکل مربع به ابعاد ۷*۳۰*۳۰ سانتیمتر می باشند. تعداد ۷ خشت در ساختار این سیلو به کار رفته است. این سیلو در قسمت جنوب غربی فضا قرار دارد. ارتفاع این سیلو در حدود ۳۵ سانتیمتر است که با گل داخل و خارج آن اندود گردیده است.

در کف قسمت شمالی این فضا لاوکی بصورت خوابیده کشف گردید (تصویر شماره ۱۳). در کنار دیوار سیلو بر روی کف قطعات کوزه سفالی شکسته به دست آمد، بر روی کف در کنار دیوار شرقی این فضا تعداد چهار حفره بزرگ و کوچک کشف گردید که نمی توان نسبت به کاربرد آنها بطور دقیق اظهار نظر کرد، آنچه که مشخص است فرسودگی دیوارهای این فضا است که در قسمتهای شرقی و جنوبی بوسیله آجر و خشتهها و سفال های ایستاده اقدام به مقاوم کردن آنها نموده اند. نظیر چنین عملیات در فضاهای مکشوفه سال های پیش نیز دیده شده است. کلیه دیوارهای این فضا و کف آن گل اندود است.

بر روی کف اطاق کوچک واقع در میان ترانشه و در زیر لایه ها آوار، بقایای چند ظرف سفالی ناقص و یک ظرف سالم ولی ترک خورده سفالی به دست آمد. این ظروف همگی از نوع سفال ساده و خشن هستند که استفاده روزمره داشته اند و فاقد تزیین و ویژگیهای خاصی برای تاریخگذاری می باشند. یکی از این ظروف لاکوکی است خشن که بدنه ای ضخیم که مقدار زیادی تمپرشن دارد. این لاکوکی بر روی دیواره خود در نزدیکی کف سوراخی دارد از همین رو به نظر می رسد در تهیه آب انگور از آن استفاده می شده است. کوزه کوچکی با دو دسته در طرفین و شیارهای ساده و شانه ای بر روی گردن ظرف با ارتفاع ۲۱ سانتیمتر و قطر دهانه حدود دوازده سانتیمتر کشف شد.

قطعاتی شکسته از یک کوزه بزرگ تر نیز در این محل بدست آمد که البته ناقص می باشد. با این وجود می توان تشخیص داد که این کوزه نیز دارای دو دسته در طرفین بوده است و کاملاً بدون تزیین و ساده می باشد. ارتفاع آن در اصل در حدود ۵۰ سانتیمتر بوده و نکته جالب در مورد آن شکستگی و وصالی آن در زمان استفاده می باشد، بطوریکه هنوز برخی از بست های آهنی در محل ترک و شکستگی آن دیده می شود. علاوه بر این سه ظرف، هیچ ظرف سالم و یا نسبتاً سالم دیگری در ترانشه k8 بدست نیامده است.

جمع بندی

حاصل کاوش های آموزشی - پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی ابهر در تپه نرگه تعداد بیست و یک ترانشه ۱۰*۱۰ متری می باشد که حدود ۲۱۰۰ متر مربع از سطح این تپه باستانی را در بر می گیرد. در

مقداری خاکستر بدست آمد. هواکش تنور مکشوفه احتمالاً زیر بازوی غربی ترانشه قرار دارد.

در قسمت شمالی این فضا قسمتی از یک سکو بطول ۲/۴۰ متر کشف گردید که امتداد آن نیز زیر بازوی شمالی ترانشه کشیده شده است.

دیوارهای مکشوفه این فضا گل اندود و کف آن نیز با گل کوبیده پوشانیده شده است و شیب آن نیز بطرف شرق قرار دارد.

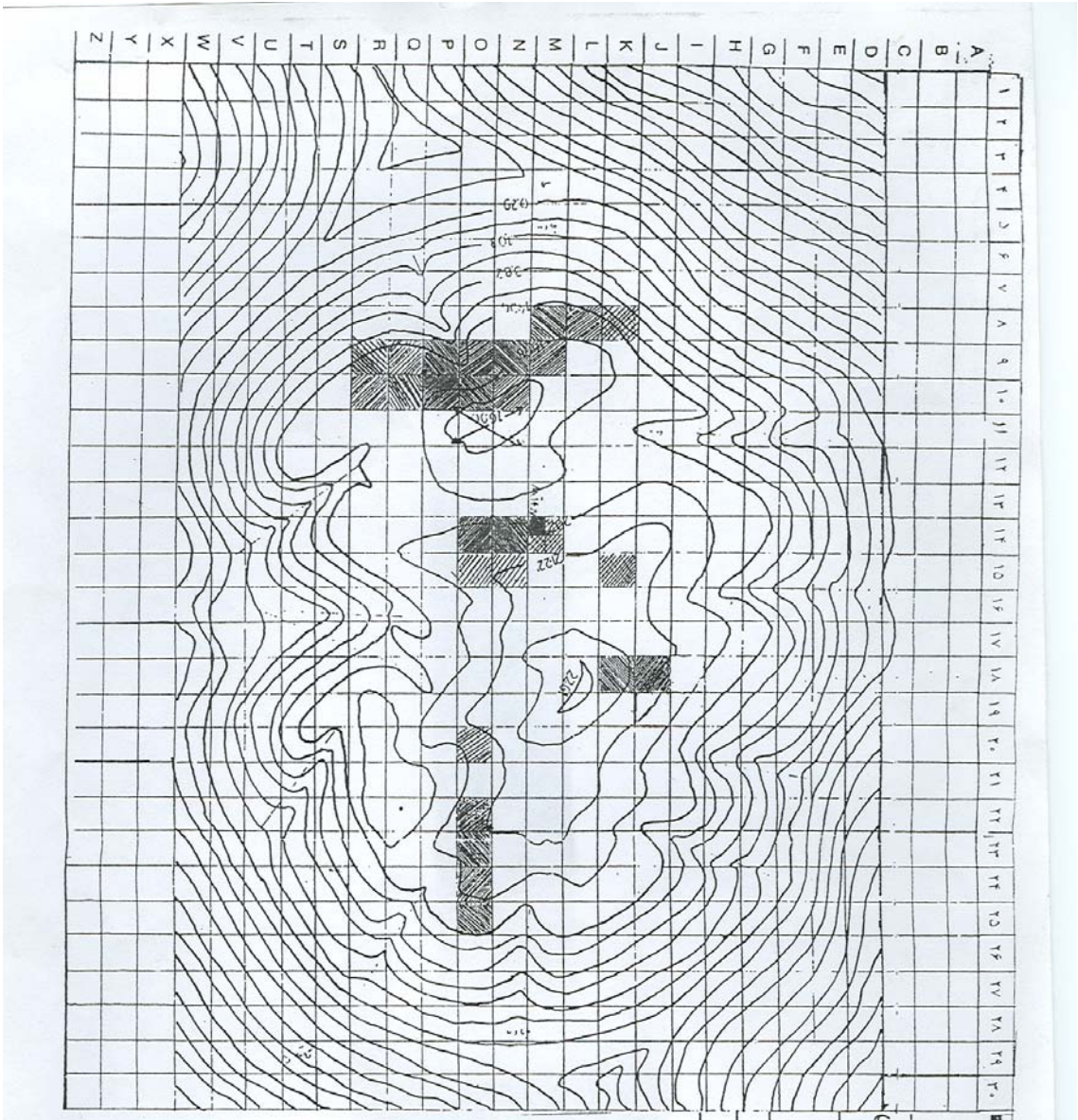
سفال

در ترانشه k8 تمامی سفال های یافت شده از نوع اسلامی هستند که بیشتر آنها سفال هایی با کاربرد روزمره می باشند. به عبارت دیگر بیشتر سفال ها بدون لعاب و ساده هستند. ۸۱٪ سفال ها فاقد لعاب هستند و از میان آنها نیز ۸۸٪ ساده و فاقد هرگونه تزیین می باشند. این امر نشانگر وضعیت اقتصادی ساکنان می باشد که مردمانی روستائین و با توان اقتصادی محدود بوده اند و نمی توانستند از ظروف تجملاتی و گران قیمت استفاده کنند. بویژه آنکه فقط حدود ۲٪ از سفال ها از انواع لعابدار مرغوب نظیر سفال آبی و سفید هستند. در میان سفال های فاقد لعاب، نزدیک ۱۰٪ آنها ظروف پخت و پز می باشند و متداول ترین شیوه تزیین در میان سفال های بدون لعاب نیز تزیین کننده می باشد (حدود ۱۰٪) سفال های لعابدار نیز فقط ۱۸٪ کل سفال ها را شامل می شوند که اغلب آنها فقط لعاب ساده دارند. ۵۳٪ متداول ترین شیوه تزیین سفال های لعابدار نیز نقش کننده زیر لعاب است با فراوانی در حدود ۳۳٪ پس از آن لعاب پاشیده و نقش کننده زیر لعاب معمول است که در مجموع حدود ۱۳٪ سفال های لعابدار را تشکیل می دهند.

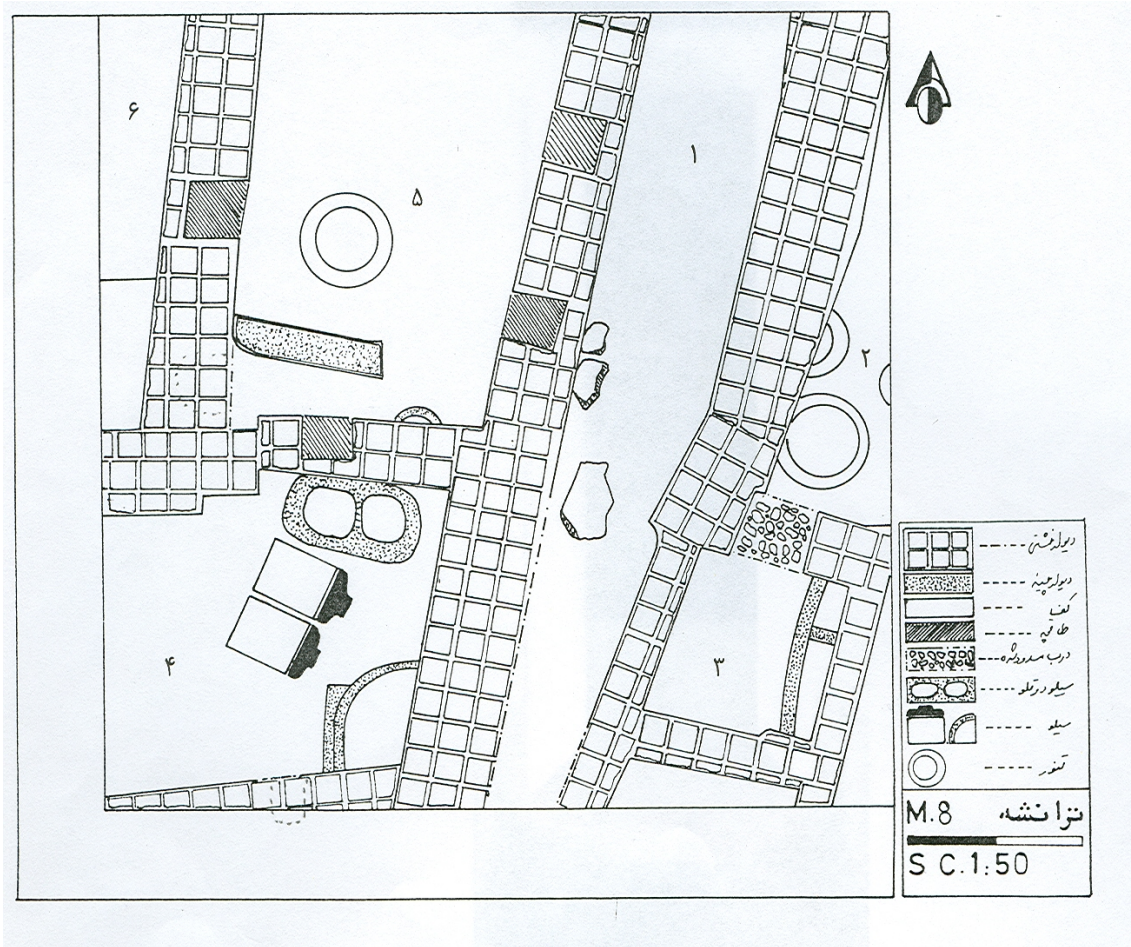
این ترانشه ها ساختار معماری روستایی بزرگ مشهود است که خانه هایی با اطاق های متعدد، راهروها، پله ها، سیلوها، تنورها و اجزاء مختلف دیگری را شامل می شوند. مصالح معماری عمدتاً چینه و خشت است ولی از بقایای دوره های قبل همچون آجرهای شکسته و تکه های سفال های ضخیم نیز در برخی قسمت ها استفاده شده است. ظاهراً خانه ها با نظم و طرح خاصی بنا نشده اند و عمدتاً بر اساس موقعیت محل و با مواد و مصالح در دسترس ساخته شده اند. برخی ترانشه ها شواهدی از معابر عمومی بدست آمده ولی در حال حاضر نمی توان نقشه عمومی روستا را ترسیم نمود.

در تاریخ گذاری این روستا که در واقع جدیدترین و فوقانی ترین طبقه استقراری در تپه نرگه است، می توان به یافته های سفالین و معدودی سکه های یافت شده استناد کرد. قطعات شکسته و بعضاً نیمه سالم ظروف سفالین که در کاوش ها بدست آمده اند، عمدتاً متعلق به دوران اسلامی و مراحل مختلف آن می باشند. در محدوده ی بناهای مکشوفه نیز عمدتاً سفال های مشخصه دوره ی صفوی دیده می شود، هرچند که سفال های سلجوقی و ایلخانی نیز به مقدار کمتر وجود دارد.

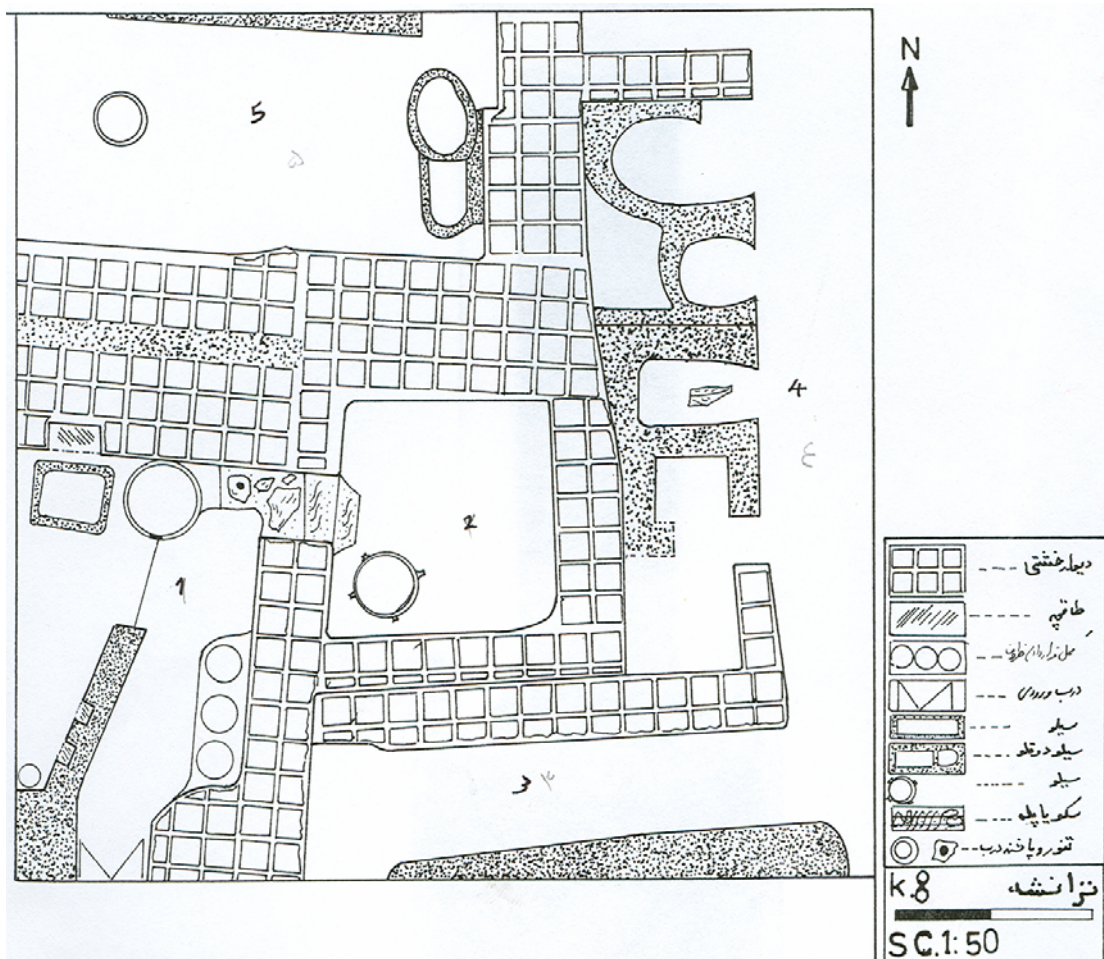
از طرف دیگر تعدادی سکه های معروف به "فلوس" که خصوصیات سکه های دوره ی صفوی را دارند بدست آمده است (تصویر شماره ۱۵) توان برای روستای مکشوفه تاریخی در حدود دوره ی صفوی را در نظر گرفت. ظاهراً بنا بر دلایلی نامعلوم ساکنان این روستا در اواخر دوره ی صفوی به تدریج خانه های بالای تپه را ترک کرده و در سطح دشت و در نزدیکی تپه روستای جدید نرگه را ایجاد نموده اند.



1



M8



K8



M8



M8

V



M7 V



M8 V



M8 IV



M8 III



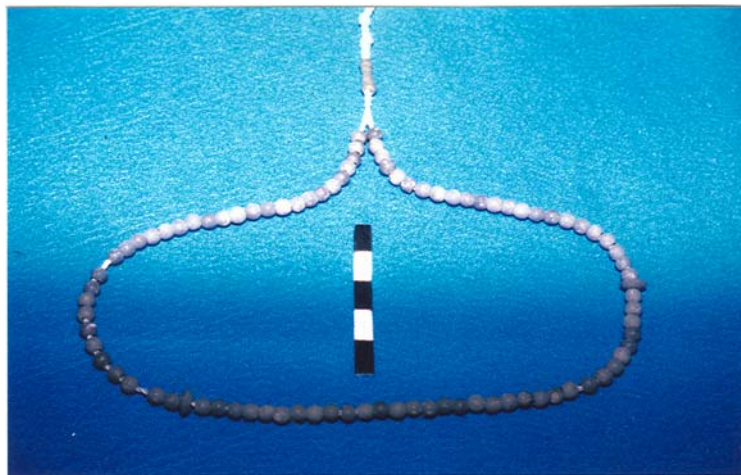
K8 II I



K8 I -



K8



K8

